

مرزها و عوامل دوستی از منظر اهل بیت(ع)

نویسندگان: عبدالکریم پاک نیا

منبع: فرهنگ کوثر ۱۳۸۴ شماره ۶۴

انسان طبیعتاً نیازمند دوست و مونس است؛ چرا که موجودی اجتماعی است و سعادت وی در معاشرت با دیگران کامل می گردد. در دوران نوجوانی و جوانی این نیاز فطری شدت می یابد و جوان از تنهایی و انزوا به سختی در رنج و عذاب است. او همواره تلاش می کند تا دوستانی را که باب میل او هستند و در سلیقه ها و رفتار با یکدیگر سازگاری دارند، یافته و ساعاتی از عمرش را با آنها بگذراند. این ارتباطات بدین دلیل صورت می پذیرد تا اطلاعاتی را با همدیگر تبادل کنند، تجربیات زندگی را از یکدیگر بیاموزند، خاطرات، گفتارها، شیرینی ها و تلخی های زندگی را به همدیگر بگویند و بشنوند و از زندگی و دوران جوانی شان لذت ببرند. انسانی که دوست و رفیق مناسب نداشته باشد، غریب و تنهاست و بیشتر وقت ها افسرده حال و پژمرده احوال است. چنین شخصی حرف دل خود را کتمان می کند و نمی تواند خودش را آن چنان که هست، بشناسد و فردی خجالتی و کم رو خواهد بود. داشتن دوست مناسب و خوب فوائد بی شمار دنیوی و اخروی دارد. علی علیه السلام فرمود:

الَّتَوَدُّدُ نِصْفُ الْعُقَلِ (۱)؛ دوستی نصف خردمندی است.

دوست آینه اخلاق و رفتار، کمک حال ساعات تنهایی و غم بار، و به عنوان بازوی کمکی و پشتیبان است. دوست خوب محرم اسرار، مشاور و معاون افکار و دستگیر و یاور در مشکلات و سختی هاست. حافظ می گوید:

دریغ و درد که تا این زمان ندانستم که کیمیای سعادت، رفیق بود و رفیق

در یک کلام، دوست خوب نعمت بزرگی است که نظیر ندارد و عامل مهمی در رسیدن انسان به کمالات است؛ چنان که دوست بد هم بلای خانمان سوزی است که در انعطاف و سقوط انسان به دره های هولناک و نابودی تأثیر بسزایی دارد.

انتخاب دوست و همنشین برای جوانان از حساسیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا آنان به آسانی و به سرعت، رفیق انتخاب می کنند و این، به علت عاطفی و احساسی عمل کردن آنهاست. آنان چندان به نکات عقلایی توجه ندارند و با شخصی بدون آشنایی قبلی و اطلاع از وضع خانوادگی دوست می شوند. آنان به روحیات، عقاید و اخلاق دوستان خود چندان توجهی ندارند و فقط به خاطر اینکه در یک موردی رفتار وی خوشایندشان قرار گرفته، به او دل می بندند و روابط عمیق و محکمی هم با او برقرار ساخته، تمام اسرارشان را در اختیار او قرار می دهند. اگر مریبان و والدین بتوانند در انتخاب دوست به جوانان کمک کنند و با استدلال و منطق و رفتار صحیح آنان را به سوی انتخاب دوستان خوب رهنمون شوند، مطمئناً یکی از مهم ترین وظیفه های خود را انجام داده اند.

در اینجا به برخی از رهنمودهای حکیمانه امام جوادعلیه السلام در زمینه فوائد، آفات و شرایط دوستی می پردازیم:

ارتباطات و دوستی هایی که بر معیار صحیح و موازین عقلی و شرعی ترتیب یافته باشد، می تواند در زندگی انسان زمینه ساز موفقیت ها و پیشرفت های قابل ملاحظه ای شود.

یک فرد مسلمان در اثر این ارتباطات گاهی به بالاترین درجه سعادت نائل می شود. امام جوادعلیه السلام می فرماید:

مَنْ اسْتَفَادَ أَخًا فِي اللَّهِ، فَقَدْ اسْتَفَادَ بَيْنًا فِي الْجَنَّةِ (۲)؛ هرکس در راه خدا برادری و دوستی پیدا کند، همانا خانه ای در بهشت به دست آورده است.

دوستی های حقیقی که برای خدا باشد، راهی مناسب برای رسیدن به بهشت است؛ چرا که انسان در اثر معاشرت با نیکان، خلق و خوی نیک خود را تقویت می کند و عمل نیک است که سعادت و خوشبختی ابدی را در پی دارد. در روایتی آمده است:

برادران مؤمنی که در بهشت ساکن می شوند، گاهی درجه و منزلت یکی، از دیگری بیشتر و بالاتر است. آنکه درجه بالاتری دارد، به خداوند متعال عرضه می کند:

پروردگارا! دوست با ایمان من مرا به اطاعت تو و پرهیز از نافرمانی ات ترغیب می کرد و من به وسیله دوستی با او به این درجه رسیده ام. خدایا! او را نیز با من هم درجه گردان!

و خداوند متعال سخن او را پذیرفته و به دوست او نیز رفعتِ درجه می دهد. (۳)

اگر انتخاب دوست بر اساس معیارهای عقلانی و الهی نباشد، علاوه بر ضررهایی که به روح و روان آدمی وارد می شود، در نهایت تبدیل به دشمنی خواهد شد. امام محمدتقی علیه السلام در این رابطه می فرماید:

در اثر معاشرت با نادان، اخلاق و رفتار انسان فاسد می شود؛ اما با تمایل به سوی عقلا و اندیشمندان، رفتارهای نادرست انسان اصلاح می گردد.

مردم نیز هر یک اخلاق ویژه ای دارند، که از نهاد و فطرت آنان ریشه می گیرد. آنان با یکدیگر ارتباط و دوستی دارند؛ اما دوستی هرکس در غیر راه خدا باشد، بالاخره به دشمنی بدل خواهد شد. خداوند متعال در قرآن به این نکته اشاره فرموده است:

«الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ» (۴)؛ در روز قیامت برخی از دوستان، دشمن یکدیگرند مگر پارسایان و تقوا پیشه گان (۵).

رعایت اعتدال و میانه روی در دوستی های حقیقی، ضامن بقای رشته مودت است؛ اما در ارتباطات غیر عقلانی و احساساتی، چون موازین عقلی و اعتدال رعایت نمی شود و بر اساس احساسات زودگذر و یا مطامع دنیوی پای گرفته است، دوستی ها زوال پذیر بوده و در بحران ها و گرفتاری ها رشته دوستی از هم گسیخته و از میان می رود. سعدی می گوید:

دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی

دوست مشمار آنکه در نعمت زند لاف یاری و برادر خواندگی

قرآن کریم در مورد کسانی که دوستان ناجنس برگزیده اند، می فرماید:

روز قیامت، متأسف و پشیمان شده و می گوید: «یا وَيْلَتِي لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا» (۶)؛ وای بر من! ای کاش فلان شخص آلوده و ناپاک را به دوستی انتخاب نکرده بودم!

اساساً رفاقت با انسان های آلوده، انسان را از نیکان جدا می کند و در صف افراد شرور و ناهنجار قرار می دهد و هنگامی که فردی در آن وادی داخل شد، دیگر به نصیحت انسان های خوب توجه نمی کند و حتی نسبت به آنان سوءظن هم پیدا می کند. به همین علت امام جواد علیه السلام فرمود:

مُجَالِسَةُ الْأَشْرَارِ تُورِثُ سُوءَ الظَّنِّ بِالْأَخْيَارِ (۷)؛ همنشینی با خطاکاران باعث می شود تا انسان به افراد خوب و بهتر بدبین شود.

تا توانی می گریز از یار بد یار بد، بدتر بود از مار بد

مار بد، تنها ترا بر جان زند یار بد، هم جان و هم ایمان زند

عوامل تحکیم دوستی

۱. دیدار و ملاقات آنان

از مهم ترین عوامل پایداری رشته دوستی، دیدار دوستان صمیمی و جویا شدن از احوالات آنهاست. به وسیله دیدار با همفکران و دوستان، عقل انسان تقویت شده و نیروی خرد رشد می یابد؛ زیرا در این ملاقات ها تجربه ها، آگاهی ها و اطلاعات گسترده ای ردّ و بدل شده و اندیشه های نو و پویایی برای انسان حاصل می شود. بدین سبب امام جواد علیه السلام فرمود:

مُلاَقَاتُ الْإِخْوَانِ نُشْرَةٌ وَ تَلْقِيحٌ لِلْعَقْلِ وَ إِنْ كَانَ نَزْرًا قَلِيلًا (۸)؛ دیدار با برادران دینی و دوستان صمیمی موجب حفظ و بالندگی نیروی عقلانی است هرچند که این ملاقات ها کوتاه و بسیار اندک باشد.

آری، ملاقات های نتیجه بخش در تحکیم پیوندهای دوستی و روح و جان انسان ها تأثیر دارد و غلظه دوستی را مستحکم تر می گرداند.

شایسته است رفتار فرد مسلمان، اجتماعی بوده و با برادران دینی و دوستان مناسب، دیدار و رفت و آمد داشته باشد؛ زیرا انزوای از مردم و فاصله گرفتن از آنان عواقب زیانباری برای شخص دارد. انسان هایی که تنها زندگی می کنند و عُزَلت طلب و گوشه گیرند، معمولاً از خود بیگانه اند و از لحاظ عواطف و احساسات دچار بی حسی و رکودند. آنان خود را آن گونه که واقعاً هستند، نمی شناسند و نمی دانند به چه چیزی علاقه دارند، از چه چیزهایی متنفرند و از چه چیزهایی می ترسند. آنان هدف ها، انگیزه ها و باورهای خودشان را دقیقاً نمی دانند. این گونه اشخاص از نظر روانی، شدیداً به دیگران نیازمندند و از لحاظ روحی و عاطفی بین خود و دیگران فاصله ایجاد می کنند. آنان هرگاه احساس کنند کسی مخل و مزاحم تنهایی آنها خواهد شد، دچار هراس و تشویش می شوند. (۹)

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم به پیروان خود، اجتماعی زندگی کردن را آموخته و از انزوا و عزلت طلبی نهی کرده است. آن بزرگوار همزیستی با مردم و انس و الفت با آنان را مورد تشویق قرار داده و فرموده است:

خَيْرُكُمْ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا الَّذِينَ يَأْلِفُونَ وَيُؤْلَفُونَ (۱۰)؛ بهترین شما کسانی هستند که اخلاقشان نیکوتر است، آنان که با مردم مأنوس شده و به آنان محبت می ورزند و مردم نیز متقابلاً آنان را دوست داشته و پیوند انس و الفت برقرار می سازند.

امام جوادعلیه السلام در این راستا دوستی و پیوند با مردم را نوعی «فامیلی اکتسابی» قلمداد کرده و می فرماید: الْمَوَدَّةُ قَرَابَةٌ مُسْتَفَادَةٌ (۱۱)؛ دوستی، نوعی خویشاوندی اکتسابی است.

در حقیقت دوستان انسان، فامیل های اکتسابی او محسوب می شوند و کسی که دوستان بسیاری داشته باشد، دارای خویشاوندان بسیاری است.

۲. حُسنُ خُلُقٍ وِ غَشَادَةِ رُوبِي

یکی از شیوه های جذب دوستان و یاران صمیمی، خوشخویی و خوشرویی در معاشرت با دیگران است. این خصلت پسندیده موجب می شود که دیگران قلباً به سوی انسان های خوش برخورد جذب شوند و ناخودآگاه آنان را دوست داشته باشند. امام جوادعلیه السلام به نقل از امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَسَعَوْهُمْ بِطَلَاقِهِ الْوَجْهِ وَحُسْنِ الْإِلْقَاءِ (۱۲)؛ شما هرگز با مال و منال دنیا نمی توانید به مردم توسعه داده و آنان را راضی کنید. پس تلاش نمایید با گشاده رویی و خوش برخوردی آنان را راضی نمایید.

از آنجا که ارتباط و دوستی با مردم، ضرورتی عقلی در زندگی بشر است و انسان برای تداوم زندگی و غلبه بر مشکلات و پیمودن راه ترقی و تکامل، نیاز به همراهان و هم فکرانی دارد که مایه دلگرمی و قوت قلب او باشند، شایسته است که این عامل کارساز را، در معاشرت با دیگران به کار گیرد و هر روز دوستان زیادی را برای خود کسب کند. برای همین علی علیه السلام ناتوان ترین افراد جامعه را کسانی می داند که از به دست آوردن دوست و رفیق همدل، عاجز و ناتوانند.

أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ إِكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ وَأَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفِيرَ بِهِ مِنْهُمْ (۱۳)؛ ناتوان ترین مردم کسی است که از یافتن دوست، ناتوان باشد و عاجزتر از او هم کسی است که دوستی را که به دست آورده، از دست بدهد.

لقمان به فرزندش گفت:

يَا بُنَيَّ إِنِّي إِتَّخِذُ أَلْفَ صَدِيقٍ وَ أَلْفَ قَلِيلٍ وَ لَا تَتَّخِذْ عَدُوًّا وَاحِدًا وَ الْوَاحِدُ كَثِيرٌ (۱۴)؛ پسر من! برای خود هزار دوست بگیر؛ چرا که هزار دوست کم است. و یک دشمن بگیر؛ چرا که یک دشمن هم زیاد است.

و علی علیه السلام فرمود:

وَ لَيْسَ كَثِيرًا أَلْفٌ خِلٌّ وَ صَاحِبٍ وَ إِنَّ عَدُوًّا وَاحِدًا لَكَثِيرٌ (۱۵)؛ هزار دوست و همنشین بسیار نیست؛ ولی یک دشمن برای آدمی البته زیاد است.

یکی از مهم ترین فوائد داشتن دوستان خوب، هم فکری با آنان است. گاهی انسان قادر به تصمیم گیری نیست؛ در چنین مواقعی می توان با دوستان صالح و نیک اندیش مشورت نمود و از نظرات آنان در پیشبرد اهداف خویش بهره گرفت. کسانی که با دوستان شایسته و خوب مشورت می کنند، در کارهایشان پشیمان نخواهند شد. امام جواد علیه السلام فرمود:

ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ لَمْ يَنْدِمْ: تَرَكَ الْعَجَلَةَ وَ الْمَشُورَةَ وَ التَّوَكُّلَ عِنْدَ الْعَزْمِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (۱۶)؛ سه خصلت در هرکسی باشد، از کار خود پشیمان نمی شود: ۱. در کار خود عجله نکند؛ ۲. مشورت و هم فکری با دوستان و نزدیکانش داشته باشد؛ ۳. هنگامی که کاری را قصد می کند، بر خداوند - عزوجل - توکل نماید.

مشورت با دوستان در تحکیم ارتباط نیز مؤثر است؛ چرا که انسان در مشورت، علاوه بر اینکه از نظرات دیگران بهره می برد، برای دوستان خود نیز شخصیت و احترام قائل می شود و مطمئناً احترام به دیگران، افزایش محبت آنان را در پی خواهد داشت.

۳. راهنمایی و خیرخواهی

از دیگر عواملی که می تواند رابطه دوستی را تقویت کرده و ابدی نماید، خیرخواهی و راهنمایی دوستان است. البته خیرخواهی باید طوری عملی شود که به آبرو و شخصیت دوستان کوچک ترین اهانتی نشود؛ چرا که در این صورت، نتیجه معکوس خواهد داشت. امام نهم علیه السلام در این رابطه فرمود:

مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ وَمَنْ وَعَظَ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ (۱۷)؛ هرکس برادر دینی خود را پنهانی راهنمایی و موعظه کند، او را آراسته است و اگر علنی و آشکارا او را موعظه نماید، شخصیت او را پایین آورده و ناراحتش نموده است.

پی نوشت ها:

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۶۰.

۲. موسوعه الامام الجواد (ع)، ج ۲، ص ۳۵۲.

۳. الف حدیث فی المؤمن، ص ۷۶.

۴. زخرف / ۶۷.

۵. کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۴۹.

۶. فرقان / ۲۸.

۷. امالی، شیخ صدوق، ص ۵۳۱.

۸. امالی، شیخ مفید، ص ۳۲۸.

۹. بزرگسال و جوان، ج ۱، ص ۱۳۶.

۱۰. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۵۱.

۱۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۶۶.

۱۲. امالی، شیخ صدوق، ص ۵۳۱.

۱۳. نهج البلاغه، حکمت ۱۲.

١٤ او ١٥. وسائل الشيعه، ج ١٢، ص ١٦.

١٦. كشف الغمّه، ج ٢، ص ٣٤٣.

١٧. ايمان، ص ٣٤٩.